

## یادکردهای دین زرتشت در متون مانوی \*

ویلیامز جکسن

داریوش احمدی

### اشاره

دین زرتشت، در مقام یکی از ادیان متنفذ آسیای کهن، چنان که از آموزه‌های مانوی برمی‌آید، تأثیرات گسترده‌ای را در انگاره‌های یزدان‌شناسی و کیهان‌شناسی دین مانی بر جای نهاد، و از این‌رو، در نزد مانی و پیروان او، کیش زرتشت همچون دینی پیشرو، حقانی و الهام‌بخش، دارای جایگاه بسیار برجسته‌ای بود. مقاله حاضر، با بررسی شماری از اوراق مانوی به دست آمده از ترکستان چین، یادکردهای صریح و ضمنی زرتشت و دین او را در این متون، شناسایی و معرفی نموده است تا بدین وسیله، ابعاد تأثیرگذاری دین زرتشت بر کیش مانی، شفاف‌تر و آشکارتر گردد. از سوی دیگر، یادکردهای مکرر زرتشت و دین او در متون مانوی، که اسنادی بسیار معتبر و خدشه‌ناپذیراند، گواهی‌های ارزنده‌ای را درباره جایگاه دین زرتشت در ایران پیش از اسلام، فراهم می‌آورند.

گفتار معروف ابوریحان بیرونی [به نقل از شاپورگان مانی] در آن گفتار از مانی نقل قول شده است که زرتشت، بودا، و عیسی را چونان پیشروان دینی خود شناخته و تصدیق

\* مشخصات کتاب‌شناختی این اثر از این قرار است:

A. V. Williams Jackson, "Studies in Manichaeism", Journal of the American Oriental Society,

vol.43, 1923, pp.16-19.

کرده، و مدعی است که برای اتمام اشراق ایزدی به جهان آمده است.

۱. در وهله اول، نام زرتشت را به شکل ترکی [Zrōšć]، به عنوان یک Burxan «پیامبر الهی» در قطعات مانوی ایغوری به دست آمده از ایدیقوت - شهری می توان یافت. چنان که لکوک اثبات کرده و گوئی به طور قانع کننده ای از طریق شواهد زبان شناختی تأیید نموده است. این نام در زبان چینی به صورت [Sou-lou-che] رایج گردیده است. نام زرتشت همراه با لقب روحانی او (Zrōšć Burxan)، حدود ده بار در این قطعات ویژه، که پاره های افسانه ای را درباره پیکار میان این فرد مقدس و جادوگران و دیوان در بابل ضبط کرده اند، تکرار می شود. شهر بابل، در پیوند با زندگی مانی و حتی زرتشت، بر پایه افسانه ای نامعتبر درباره زندگی وی، دارای حرمت و تقدس بوده است.<sup>۱</sup> در هر حال، این قطعه مدفون در شن که در ترکستان چین یافته شده است، یادمان های مربوط به برخی داستان های زرتشتی کهن را، که حتماً در میان مانویان رواج داشته، حفظ کرده است.

۲. نه تنها در قطعه پیش گفته، بلکه در یک قطعه تورفانی نوشته شده به زبان پهلوی و محفوظ در مجموعه برلین، اشاره صریحی به زرتشت (? Zardūšt / Zorodust) وجود دارد، که در آن، از وی در کنار فرشته ایرانی سروش (Srōš) یاد می شود. این یادکرد را در یک سرود کهن مانوی، که حاوی یادمان هایی از باورداشت های زرتشتی درباره بازبیداری روح انسان (یعنی انسان نخستین، گیومرت) است، می توان یافت. دریغ که تاکنون خود متن منتشر نشده است، اما محتوای آن در نوشتاری آلمانی از استاد آندرئاس، بازچاپ شده در کتاب Des iranische Erlösungsmyterium رایتزشتاین (بُن، ۱۹۲۱، ص ۳) در دسترس است.

۳. افزون بر این، در قطعه تورفانی دیگری نیز به «کتاب زرتشتیان» ارجاعی داده شده که حاوی اشاره ای به آیین های معینی بوده که در چهاردهمین روز از ماه زرتشتی نیز انجام می گرفت. این متن چنین خوانده می شود:

*ud pad any-z zardruštāgān nibēg a'ōn nibēsēd ku pad čahārdad rōz ī ūrmā kunišn ō kunišngar...*

و در دیگر کتاب زرتشتیان چنین نوشته شده است: در روز چهاردهم ماه تیر کُنشی، کُنش گر را [بایسته است]...

M. 16. 20-22 (Müller, *Handschriften - Reste in Estrangelo - Schrift aus Turfan, Chinesisch - Turkistan*, II, APAW 1904, p.94).<sup>۱</sup>

۴. اشاره احتمالی دیگری نیز به زرتشت، به عنوان پیشرو مانی، همراه با یادکردی از عیسی، در یکی دیگر از متن‌های مانوی وجود دارد. این قطعه ناقص چنین آغاز می‌شود:

lllll nangbēd ud pēšōbāy ī dēn māzdēs, ...

[...] سرور و پیشوای نام‌دار دین مزدیسنا....

M. 543. 1-3 (Müller, II, p.79)

هر چند نام زرتشت، با توجه به پارگی ابتدای صفحه (lllll)، در این قطعه افتاده است، اما قرارگرفتن او در کنار مزدا *dēn māzdēs* این گمان را موجه می‌سازد، به ویژه آن‌که به دنبال این بند (سطر ۷)، به مهین فرشته زرتشتی، بهمن (Walunan)، اشاره‌ای شده است. در ادامه این قطعه، به خود مانی، چونان آوایی نو، و دهنده احکامی راست‌باورانه به مؤمنان، بی‌درنگ در سطرهای ۲-۳ اشاره می‌شود:

tū nōg hammōzāg ī xwarāsān, ud rāyēnāg ī wahedēnān<sup>۲</sup>

تو آموزگار نوین شرق و سامان‌دهنده نیک‌دینان (=مانویان)<sup>۳</sup> [هستی]

مضمون سطرهای ۷-۴) «*ē zād hē... andar tōhum īg šahriyārān*» که در تبار شهریاران زاده است» حقانیت مانی را در نسب بردن مقام پیامبری نشان می‌دهد؛ و بی‌درنگ پس از آن، یادکرد صریحی از «عیسای باکره [زاده]» (*kanīg yīō*) همچون یکی دیگر از تجلیات الهی (*sanān*) می‌آید. بنابراین، با نتیجه‌گیری از همه این ترتیب‌ها و کنار هم‌گذاری‌ها، این پیشنهاد که عبارت «سرور نام‌دار دین مزدیسنا» به شخص زرتشت اشاره دارد، موجه به نظر می‌رسد. اتفاقاً اشاره ضمنی دیگر نیز در، یک قطعه ترکی مانوی به «دین مغانه» (*moyuč nomīn*) وجود دارد (T. M. 170 سطر ۴، ویراسته لکوک، *Chotscho*، ج ۳، ص ۳۹)، (فرهنگستان برلین، ۱۹۲۲).

۵. با توجه به قطعه‌ای که در بالا ذکر شد، و با در نظر گرفتن اشاره ابوریحان بیرونی به این‌که مانی، زرتشت، بودا، و عیسی را پیشروان دینی خود شناخته و تصدیق کرده بود، می‌توان قطعه پهلوی تورفانی دیگری را نیز به میان آورد. اما پیش از این کار، می‌بایست

۱. ویرایش جدید این متن، از این منبع گرفته شده است:

M. Boyce, *A Reade in Manichaeic Middle Persia and Parthian*, Leiden, 1975, pp.183-184 (م).

2. M. Boyce, *Ibid*, pp.149 (م).

۳. عنوان *wahē den* در جاهای دیگری از قطعات مانوی نیز به طور ویژه‌ای برای دین مانی به کار رفته است.

شاهد بیرونی دیگری را، مبنی بر این‌که «مانی پس از شناخت مذهب تنوی، مجوس و نصاری ادعای نبوت کرد»<sup>۱</sup> اضافه کرد؛ و این گفته را با استناد به فهرست ابن ندیم، دایر بر این‌که «مانی مذهب خود را از آیین مجوس و مسیحیت بیرون آورد»<sup>۲</sup> و نیز با افزودن این سخن شهرستانی که «دین مانی آمیخته‌ای از آیین مجوسی و مسیحیت بود»<sup>۳</sup> تکمیل کرد. با در نظر گرفتن همه این اشارات، این گمان را (اما فقط یک گمان، تا زمانی که قطعات بیشتری به دست آید) می‌توان مطرح کرد که سه پیشرو دینی بزرگ مانی با عنوان «سه پسر خدا» در سطور معینی از یک سرود طولانی مانوی درباره ستایش، نماز و فرش‌گرد (که خود این عنوان زرتشتی بیانگر نوسازی فرجامین جهان است) مورد اشاره قرار گرفته‌اند. آنجا که آمده است:

*āsāh, man bōzāgar, pad istāwišn, anjīwag barpmār māni adhrē barpuhrān*

تو را می ستایم (ای) منجی ام، یغ زنده! مانی سرور! با سه پسر خدا

M. 4, par. 4, lines 10-13 (Müller II, p.54<sup>m</sup>)

در این پیوند، این نکته را باید در نظر داشت که همان نسبت *barpuhr* «پسر خدا» دوبار برای عیسی، در نقل قولی مانوی از کتاب عهد جدید (M. 18.1, 3 = Müller II, P.34<sup>t</sup>)، که البته ترجمه‌ای از متنی مبتنی بر کتاب مقدس است، به کار رفته است. افزون بر این، مانی در قطعاتی، «فرزند یزدان» (*Māni yasdān frazēnd*) (M. 311.1 = Müller II, p.66<sup>b</sup>) خوانده شده و گویا «ای پسر یزدان» (*ōn yazdān pūhr*) (M. 32.3 = Müller II, p.62<sup>b</sup>) نیز خطاب گردیده است؛ در حالی که زرتشت و بودا، دو تن دیگر از سه پیشرو معنوی مانی، در قطعات مانوی ترکی، چنان‌که پیشتر یاد شد، به طور جداگانه با عنوان «پیامبر الهی» معرفی شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که دلایلی برای این‌که «سه پسر خدا» را در این قطعه اشاره‌ای به زرتشت، بودا، و عیسی بدانیم، موجود است. در هر حال، تا زمانی که قطعات بیشتری چاپ یا کشف شوند، این پیشنهاد در حد یک فرضیه باقی خواهد ماند.

### سرود زرتشت

سرود مانوی محفوظ در دست‌نویس M-7-1، شعری است به زبان پارسی که در آن به

۱. آثار الباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۳۰۸ (م).

۲. مانی به روایت ابن ندیم، محسن ابوالقاسمی، انتشارات طهوری، ۱۳۷۹، ص ۱۷ (م).

۳. ذک: شهرستانی، ترجمه هارپوخر، ۲۸۵/۱؛ ریمسجید با فوگل، مانی، ص ۱۶۵.

روشنی از زرتشت، پیام‌آور مزدایرستی، یاد شده است. در این قطعه، زرتشت، همچون نمایندهٔ پیامبران نخستین با روح یا نفس زنده (grīw) که در دام و مغاک جهان مادی درافتاده و گرفتار آمده است، سخن می‌گوید، و او را به سوی بیداری و خودشناسی و رهایی رهنمون می‌گردد.

این گروه از اشعار مانوی، که به زبان‌های ایرانی میانه سروده شده‌اند، نه تنها بر اصالت و غنای شعر و ادب ایران در اعصار باستانی گواهی می‌دهند، که نیایی یادکردهای یومی زرتشت را در اسناد دوران پیش از اسلام، به خوبی جبران می‌نمایند. در ادامه، متن اصلی (پارتی) و برگردان فارسی این متن را می‌خوانید:

*ag kāmēd, u-tān aβdēsān az wigāhūft ēē pīdarān hasēnagān.*

*bōzāgar ardāw zarhušt, kad-iš wyāwurd aō grīw wxēbē,*

*garān mastift ku xuft ištē, wīyrāsā ud ō man wēnāh.*

*drōd abar tū az šahr rāmīšn, ēē az wasnād tū frašūd hēm.*

*haw-iž wyāwurd hō az az hēm srōšaw anāzār \*nāzōg zādag,*

*wimixt ištām ud zār wēnām. izwāy-om az maran āyōz.*

*zarhušt ō hō pad drōd pirsād wažan hasēnag manān handām.*

*žīwandagān zāwar ud masišt gēhān drōd abar tū az padīšt wxēbē.*

*haxsāh ō man, namrišt zādag, pusag rōšn pad sar awestā.*

*tāwagān zādag, kē kird \*ay iskōh, ku ēīd bišēh pad harw wyāgān...<sup>1</sup>*

اگر می‌خواهید، شما را از گواهی پدران نخستین آگاه سازم.

زرتشت رهایی بخش پارسا، آنگاه که با نفس خویش سخن می‌گفت،

[چنین گفت:] «مستی بزرگی است [این] که هفته‌ای، بیدار شو و مرا بین!

درود بر تو از شهر رامش (بهشت روشنی)، چه از برای تو فرستاده شده‌ام».

او (نفس) نیز پاسخ داد: «من، منم، نازک‌زادهٔ بی‌آزار سروشاو (= پدر بزرگی).

[با جهان مادی آمیخته‌ام و آزار بینم. مرا از آغوش مرگ بیرون کش».

زرتشت با درود [گویی] از او پرسید: «آیا تو [واژهٔ نخستین، اندام منی]؟

1. F. C. Andreas and W. B. Henning, *Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch - Turkestan III*, SPAW 1934, p.827; M. Boyce, *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, Leiden, 1975. Text: ay.

نیروی زیندگان و درود بزرگ‌ترین کیهان از پایگاه خویش بر تو [باد]!  
پیرو من [باش ای] زاده نرم‌خویی، بساک روشنی بر سر بگذار!  
ای زاده توانایان، که مُستمندت کردند، که به همه جای پیوسته گدایی را...

